



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

«عملیات خشم حماسی»

کالبدشکافی یک جنگ تجاوز کارانه

دیوید ادواردز

ترجمه‌ی: احمد سیف



اردیبهشت ۱۴۰۵

هفته گذشته، رابرت ای. پپ، استاد علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو، درباره تجمع نیروهای نظامی آمریکا علیه ایران اظهار نظری کرد که کاملاً درست به نظر می‌رسد: «این حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از توان هوایی قابل استقرار آمریکا در جهان را تشکیل می‌دهد. تصور کنید قدرت هوایی در حد جنگ‌های عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳. و هنوز هم در حال افزایش است. آمریکا هرگز چنین نیرویی را علیه یک دشمن بالقوه مستقر نکرده بدون اینکه حملات را آغاز کند.»

کمی پیش از آغاز عملیات آمریکا و اسرائیل با نام «عملیات خشم حماسی» [Operation Epic Fury] — نامی که دونالد ترامپ برای حملات از شنبه گذشته انتخاب کرد — پروفیسور پپ دوباره گفت: «بیش از ۲۵۰ هواپیمای جنگی آمریکا آماده حمله به ایران هستند. ترامپ اسلحه را آماده شلیک کرده است، نه برای یک روز حمله، بلکه برای یک کارزار هوایی چند هفته‌ای برای فرسوده کردن رژیم.» در واقع، می‌دانیم که هدف تغییر رژیم است. ترامپ هنگام اعلام جنگ گفت: «در نهایت، به مردم بزرگ و سرافراز ایران می‌گویم امشب که لحظه آزادی شما نزدیک است. در پناه بمانید. از خانه‌های خود خارج نشوید. بیرون بسیار خطرناک است. بمب‌ها همه‌جا خواهند ریخت. وقتی ما کارمان تمام شد، دولت خود را در دست بگیرید. آن متعلق به شما خواهد بود. احتمالاً این تنها فرصت شما در چندین نسل خواهد بود.»

البته یکی از محورهای اصلی کارزار «دوباره آمریکا را عظیم کنیم» ترامپ ادعای او برای پایان دادن به «جنگ‌های بی‌پایان» بود. او در سال ۲۰۱۶ گفته بود: «ما دست از مسابقه برای سرنگونی رژیم‌های خارجی که چیزی درباره‌شان نمی‌دانیم و نباید در آن‌ها دخالت کنیم برمی‌داریم.» حتی تا نوامبر ۲۰۲۴ نیز شعار اصلی چنین بود: «به فهرست طرفدار صلح رأی بدهید. به ترامپ - ونس رأی بدهید.»

در روزنامه گاردین، جولیان بورگر این جنگ اخیر را چنین توصیف کرد: «تلاشی تحریک‌نشده برای تغییر رژیم با همکاری اسرائیل، بدون هیچ مبنای حقوقی، در میانه تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از درگیری، و با حداقل مشورت با کنگره یا مردم آمریکا.»

استفاده بورگر از واژه «تحریک‌نشده» جالب است. این واژه بارها برای توصیف جنگ روسیه علیه اوکراین تکرار شده است، اما در پوشش رسانه‌ای عملیات «خشم حماسی» به ندرت دیده می‌شود. بورگر افزود: «حمله به ایران نقض آشکار منشور سازمان ملل است، زیرا هیچ تهدید معتبر و فوری از سوی ایران علیه آمریکا وجود نداشت.»

با این حال، واژه «غیرقانونی» تقریباً در هیچ‌یک از گزارش‌های رسانه‌ای دیده نمی‌شود.

در مقابل، جرمی دایموند، خبرنگار CNN در اورشلیم نوشت: «فوری: اسرائیل حملات پیش‌دستانه علیه ایران آغاز کرده و در سراسر اسرائیل حالت اضطراری اعلام شده است.»

هیچ علامت نقل‌قولی برای واژه «پیش‌دستانه» وجود نداشت، در حالی که هیچ مدرکی مبنی بر قصد حمله ایران وجود نداشت. خبرگزاری رویترز نیز همین روایت را تکرار کرد: «اسرائیل حمله پیش‌گیرانه‌ای علیه ایران آغاز کرده است، وزیر دفاع اعلام کرد.»

حتی جرمی بوئن از BBC نیز این فریب را تشخیص داد: «واژه پیش‌دستانه استفاده شده است. این واژه نشان می‌دهد تهدید فوری وجود داشته است. اما هیچ مدرکی برای آن نیست. بسیار شبیه جنگی انتخابی است که اسرائیل و آمریکا آغاز کرده‌اند.»

بعداً آمریکا به شکلی تقریباً طنزآمیز ادعا کرد که جنگ «پیش‌دستانه» بوده، چون می‌دانسته اسرائیل قرار است حمله کند و بنابراین مجبور شده وارد شود.

چند ساعت پیش از آغاز جنگ، وزیر خارجه عمان – میانجی اصلی مذاکرات آمریکا و ایران – به شبکه CBS گفت که توافق می‌تواند «فردا» حاصل شود و هشدار داد اقدام نظامی آن را نابود خواهد کرد.

پاتریک وینتور، دبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین گزارش داد: «هیئت ایرانی معتقد است اگر مذاکره‌کنندگان آمریکایی واقعیت کنونی را در اتاق مذاکرات به کاخ سفید منتقل کنند و واشنگتن به سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان داور تخصصی در امور عدم اشاعه اعتماد کند، ابتکارات پیشنهادی تهران نگرانی اعلام‌شده ترامپ درباره ضرورت صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را برطرف می‌کند.»

در این صورت، عملاً به همان وضعیتی بازمی‌گشتیم که در سال ۲۰۱۸ داشتیم؛ پیش از آن که دونالد ترامپ توافق هسته‌ای بسیار موفق برجام را نابود کند.

فیلم‌ساز و روزنامه‌نگار ریچارد سنדרز نیز پوشش رسانه‌ای یک کشتار بزرگ غیرنظامیان توسط سه موشک آمریکا-اسرائیل را چنین توصیف کرد: «کشته شدن ده‌ها دختر در یک مدرسه ابتدایی در ایران در صفحه اول حتی یک روزنامه بریتانیایی هم نیست. یک آزمایش ساده: تصور کنید اگر آن‌ها اسرائیلی بودند.»

در همان روز، BBC تیتراژی اصلی خود را به کشته شدن ۹ نفر در اسرائیل اختصاص داد، در حالی که ۱۴۸ کودک کشته شده در ایران خبر درجه دوم باقی ماندند. وقتی تعداد قربانیان مدرسه به ۱۶۵ نفر افزایش یافت، بی‌بی‌سی حتی آن خبر را از بخش «خلاصه» خود حذف کرد.

در گزارشی دیگر، بی‌بی‌سی چهار سرباز آمریکایی کشته شده را با عکس، نام، سن و زندگی‌نامه معرفی کرد، کاری که کاملاً درست است. آن‌ها کاملاً انسانی‌سازی شده بودند، همان‌طور که باید می‌بودند. اما در گزارشی جداگانه درباره کشتار مدرسه، هیچ‌یک از دختران دانش‌آموز ایرانی یا کارکنان مدرسه تصویر، نام یا هویت انسانی نداشتند. طبق معمول، آن‌ها به صورت یک توده ناشناس در کنار هم قرار داده شدند. همان‌طور که در مورد ونزوئلا نیز دیده شده، BBC ادعا می‌کند بخش قابل توجهی از جمعیت هدف در واقع از قرار گرفتن تحت یکی از شدیدترین کارزارهای بمباران در تاریخ مدرن احساس آسودگی می‌کنند: «اما به گفته بی‌بی‌سی فارسی، در عین حال به نظر می‌رسد نوعی احساس آسودگی - حتی جشن - در میان کسانی وجود دارد که معتقدند سقوط رژیم تنها از طریق مداخله نظامی ممکن است.»

با توجه به وضعیت افغانستان، عراق، لیبی و سوریه، آینده باید بسیار روشن به نظر برسد.

واکنش سیاستمداران

همان‌طور که انتظار می‌رفت، تنها دو رهبر سیاسی بریتانیایی با صداقت و انسانیت واکنش نشان دادند. جره می کوربین، که به زودی رهبر حزب شما خواهد شد، گفت: «حملات اسرائیل و ایالات متحده به ایران غیرقانونی، تحریک‌نشده و غیرقابل توجیه است. صلح و دیپلماسی ممکن بود. اما در عوض، اسرائیل و ایالات متحده جنگ را انتخاب کردند. این رفتار دولت‌های یاغی است، و آن‌ها با این عمل فاجعه‌بار تجاوزگری، امنیت بشر در سراسر جهان را به خطر انداخته‌اند.»

رهبر حزب سبز، زک پولانسکی - که در حال حاضر مورد همان کمپین تهمت و انسانی‌زدایی قرار گرفته است که علیه کوربین اعمال شد - گفت: «این حمله‌ای غیرقانونی، تحریک‌نشده و بی‌رحمانه است که بار دیگر نشان می‌دهد آمریکا و اسرائیل دولت‌های یاغی هستند.»

پیروز مورگان سخنان پولانسکی را شوکه‌کننده و غیرقابل قبول یافت: «حالا دارم ZackPolanski را می‌بینم که درباره ایران حرف‌های شوکه‌کننده، ساده‌لوحانه و توهم‌آمیز می‌زند. خدا به ما کمک کند اگر او و حزب سبز چپ‌گرایی افراطی‌اش قدرت واقعی را به دست آورند. او کوربین را معمولی جلوه می‌دهد.»

در شبکه ایکس مهدی حسن با دقت کامل به مورگان پاسخ داد: «زک همان موضع ضدجنگی را گرفته است که تو در سال ۲۰۰۳ گرفته بودی، پیرز. تو همان طور که اکنون به زک حمله می کنی، آن زمان هم مورد حمله قرار گرفتی.»

در سال ۲۰۰۴، مورگان گفته بود: «تاریخ، کمپین میرر علیه جنگ عراق را به عنوان یکی از قوی ترین، شجاع ترین و بهترین کمپین هایی که هر روزنامه ای علیه هر چیزی انجام داده، قضاوت خواهد کرد و من به این باور دارم.»

«به طرز شگفت آوری ساده لوحانه؛» مورگان آنقدر مطمئن بود که شرایط در عراق به حدی وحشتناک شده که با جدیت استدلال می کرد که صدام باید دوباره به قدرت بازگردد: «مبارزان مسلح در سراسر عراق در حال هجوم هستند. ما منطقه را به گونه ای ویران کرده ایم که در کوتاه مدت قابل ترمیم نیست. هیچ کدام از این ها وقتی صدام مسئول امور بود، اتفاق نمی افتاد...»

به نظر می رسد مورگان هیچ چشم اندازی از وقوع فاجعه مشابه اکنون نمی بیند.

نفاق در سطح ترامپ در جاهای دیگر فراوان است. در سال ۲۰۱۵، رهبر حزب اصلاحات، نایجل فراژ جسورانه اظهار داشت: «ما نیازی به دریافت مشاوره سیاست خارجی از رئیس جمهور آمریکا نداریم. آخرین بار که این کار را کردیم، به آن جنگ عراق می گفتند.»

هفته گذشته، فراژ در X نوشت: «نخست وزیر باید نظر خود را در مورد استفاده از پایگاه های نظامی ما تغییر دهد و از آمریکایی ها در این نبرد حیاتی علیه ایران حمایت کند!»

در دورترین انتهای افراط اخلاقی «رسانه های اصلی»، پیتر هیتچنز از میل آن ساندی نوشت: «جالب است که مخالفت با سیاست خارجی تقریباً همیشه به عنوان حمایت از کشور خارجی که ما از آن خواسته ایم خصومت داشته باشیم، بدنام می شود، در حالی که در واقع تمایل من این است که کشور خودم را از خطرات غیرضروری دور نگه دارم.»

آیا نگرانی برای امنیت خود واقعاً محدودیت دید اخلاقی ما را نشان می دهد؟ مخالفت هم چنین ناشی از احترام به حقوق بین الملل، نگرانی از پیامدهای وحشتناک برای غیرنظامیان زیر بمب های ما، و آگاهی شدید از این است که دهه هاست سیاست خارجی «ما» توسط منافع طمع محور بدون هرگونه قطب نماهی اخلاقی کنترل می شود. در نهایت، با ایستادن در برابر جنگ های تهاجمی، ما برای انسانیت خود ایستاده ایم. ما هیولا نیستیم.

روزنامه‌نگار گلن گرینوالد درباره این ایده که ترامپ نگران رفاه مردم ایران است، اظهار داشت: «ترامپ — که رژیم‌های مورد علاقه‌اش در جهان، ظالمانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین هستند: عربستان سعودی، امارات، مصر و غیره، و استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۵ او گفته است که ما اهمیتی نمی‌دهیم اگر دولت‌های دیگر آزادی ارائه دهند — می‌گوید هدف اصلی‌اش این است که ایرانی‌ها آزاد باشند.»

ایران — «به‌طرز شفاف، قابل راستی‌آزمایی و کاملاً در حال اجرای برجام»
اما چرا اصلاً حمله؟ و چرا اکنون؟ دو هفته پیش، گزارشی از جروزالم پست به شکل هشداردهنده‌ای اعلام کرد: «ایران تقریباً یک هفته با توانایی ساخت بمب صنعتی فاصله دارد، فرستاده ویژه آمریکا در خاورمیانه، استیو ویتکوف، روز شنبه به فاکس نیوز گفت و در عین حال نگاهی نادر به فرآیند تصمیم‌گیری ترامپ در این موضوع ارائه داد.»

این واضح به نظر می‌رسید؛ ایران یک هفته با داشتن بمب اتمی فاصله داشت. خوانندگان مجبور بودند روی لینک کلیک کنند تا حقیقت را ببینند: «فرستاده آمریکا از این نکته کاملاً صرف‌نظر کرد که ایران در حال حاضر هیچ دسترسی به مواد خود ندارد، هیچ ماشینی برای غنی‌سازی آن ندارد، و هیچ برنامه سلاحی برای استفاده عملی از آن ندارد.»

جفری ساکس از دانشگاه کلمبیا مقداری زمینه ارائه داد: «واقعیت این است که ادعا درباره این که ایران می‌خواهد سلاح هسته‌ای داشته باشد و تقریباً به آن دست یافته است، ۳۰ سال است که تبلیغات دروغین بوده است. نتانیا هو، که یک جنایتکار جنگی است، از سال ۱۹۹۶ تا کنون این را می‌گوید.»

در سال ۲۰۱۹، آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا گزارش داد: «راهبرد نظامی ایران اساساً دفاعی است و برای بازداشتن دشمن، بقا در حمله اولیه و تلافی علیه مهاجم برای مجبور کردن راه‌حل دیپلماتیک طراحی شده است.»

می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که پرونده جنگ به همان اندازه جعلی است، زیرا ایران در سال ۲۰۱۵ به توافق جامع برجام پیوست، توافقی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در ازای رفع تحریم‌ها. به دلایل مشخص برای ترامپ و (بدون شک) بنیامین نتانیا هو، ترامپ در سال ۲۰۱۸ از توافق خارج شد. ترامپ توافق را «فاجعه‌آمیز» خواند و گفت: «توافق ایران یکی از بدترین و یک‌طرفه‌ترین معاملات تاریخ آمریکا بوده است.»

همان‌طور که ترامپ می‌گوید، این «اخبار جعلی» بود. بین ۲۰۱۶ و اوایل ۲۰۱۹، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ناظر رسمی بر رعایت ایران، یازده گزارش متوالی صادر کرد که تأیید می‌کرد «ایران در حال اجرای تعهدات هسته‌ای خود است.»

نماینده عالی اتحادیه اروپا بارها اعلام کرد که برجام «در حال کار و تحقق اهداف خود است، یعنی اطمینان از اینکه برنامه هسته‌ای ایران به‌طور کامل صلح‌آمیز باقی می‌ماند، همان‌طور که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۱ گزارش متوالی تأیید کرده است.»

دبیرکل سازمان ملل گزارش‌های دو ساله‌ای به شورای امنیت ارائه داد که به‌طور مداوم یافته‌های آژانس را منعکس می‌کرد و تأیید می‌کرد که ایران به تعهدات هسته‌ای خود پای‌بند است. در سال ۲۰۱۷، وزارت خارجه آمریکا دوبار به‌کنگره گواهی داد که ایران مطابق توافق است: «ایران به‌طرز شفاف، قابل راستی‌آزمایی و کاملاً در حال اجرای برجام است؛ هیچ تخلف مادی در برجام انجام نداده و هیچ اقدامی، حتی فعالیت‌های پنهانی، که بتواند برنامه سلاح هسته‌ای ایران را به‌طور قابل توجهی پیش ببرد، انجام نداده است.»

نادیده گرفتن همه موارد فوق به‌عنوان غیرواقعی، لورا کوئنسبرگ از بی‌بی‌سی درباره دشواری تعامل با ایران در مصاحبه با زک پولانسکی گفت: «آن‌ها سال‌هاست نشان داده‌اند که به‌طور کامل علاقه‌ای به مذاکره یا احترام به قوانین و مقررات بین‌المللی ندارند.»

تبلیغات محض و دروغین در تلویزیون پربیننده بی‌بی‌سی.

اعتراضات و تلفات انسانی

برآوردها درباره تعداد کشته‌شدگان اعتراضات در ایران از دسامبر ۲۰۲۵ تا ژانویه ۲۰۲۶ بین ۳۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰ نفر متغیر است. دولت ایران ادعا می‌کند حدود ۲۰۰ نفر از نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.

روزنامه‌نگار آلن مک‌لئود گزارش می‌دهد که «... منبع بسیاری از ادعاهای تحریک‌آمیز و آمارهای تکان‌دهنده تلفات گزارش شده در رسانه‌ها»، «توسط سازمان سیا و از طریق سازمان واسطه آن، بنیاد ملی دموکراسی تأمین مالی می‌شود.»

همانند ادعاهای نادرست پیش از جنگ عراق ۲۰۰۳، سیاستمداران از ادعاهای افراطی تحت حمایت دولت آمریکا برای توجیه جنگ تهاجمی خود به‌عنوان مداخله بشردوستانه استفاده کرده‌اند. بنابراین، وزیر امور خارجه بریتانیا، ایوت کوپر، گفت دولت ایران «... رژیم است که ما می‌دانیم ده‌ها هزار نفر از مردم خود را به‌شدت کشته است.»

در واقع، هیچ‌کس نمی‌داند چه تعداد افراد در طول اعتراضات کشته شدند یا توسط چه کسانی. اما هیچ‌کس در «رسانه‌های اصلی» به متدولوژی یا شواهد پشت تخمین‌های بالای تلفات اهمیت نمی‌دهد؛

نگرانی‌هایی که تنها وقتی مطرح می‌شوند که ادعاها و جبهه بدی به غرب بدهند، مانند تلفات غیرنظامیان عراقی و فلسطینی.

به‌طور مشابه، پوشش رسانه‌ای به وضوح دخالت عوامل تحریک‌کننده اسرائیلی را نادیده می‌گیرد. در ۲۹ دسامبر، جروزالم پست گزارش داد: «روز دوشنبه، موساد [سرویس اطلاعاتی اسرائیل] از حساب توییتر خود به زبان فارسی برای تشویق ایرانیان به اعتراض علیه رژیم ایران استفاده کرد و به آن‌ها گفت که در طول تظاهرات به آن‌ها خواهد پیوست.» «با هم به خیابان‌ها بروید. وقتش رسیده است»، موساد نوشت و ادامه داد: «ما با شما هستیم. نه فقط از دور و لفظی. ما در صحنه همراه شما هستیم.»

مایک پمپئو، مدیر سابق سیا و وزیر سابق امور خارجه، در X نوشت: «سال نو مبارک به هر ایرانی در خیابان‌ها. هم‌چنین به هر عامل موساد که در کنار آن‌ها راه می‌رود...»

به‌سختی تعجب‌آور است اگر، همانند سوریه، نیروهای غربی تلاش کنند اعتراضات را تا حد امکان خشونت‌آمیز کنند، احتمالاً به‌عنوان بخشی از آماده‌سازی برای «عملیات خشم حماسی». بی‌بی‌سی گزارش داد: «اعتراضات به‌عنوان واکنشی به افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی آغاز شد و به زودی بر کل رژیم متمرکز شد، که مردم سیاست‌های آن را عامل مشکلات خود می‌دانستند.»

نکته کلیدی:

«از مه ۲۰۱۸، وقتی دونالد ترامپ آمریکا را از توافق هسته‌ای با ایران خارج کرد و تحریم‌های گسترده‌ای علیه کشور اعمال کرد، ارزش پول ایران در بازار آزاد بیش از ۹۵٪ کاهش یافت... سقوط سریع ارزش ریال، اعتراضات در بازار تهران در اواخر دسامبر را برانگیخت که به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت.»

در واقع، آمریکا اقتصاد ایران را نابود کرده تا کشور را بی‌ثبات کند و تغییر رژیم ایجاد کند. این سیاستی آگاهانه است. در فوریه، وزیر خزانه‌داری آمریکا، اسکات بسنت، به‌صراحت اعلام کرد که کمپین تحریم‌های «حداکثر فشار» به‌طور خاص «طراحی شده تا اقتصاد ایران که قبلاً در حال فروپاشی بود را منهدم کند» با کاهش صادرات نفت به صفر و محروم کردن رژیم از دسترسی به ارز سخت. بسیاری از سیاستمداران دیگر آمریکا نیز همین نکته را بیان کرده‌اند. این سیاست مرگبار قطعاً تمرکز اصلی بود، اگر بی‌بی‌سی درباره تلاش‌های روسیه برای بی‌ثبات کردن اقتصادی یک متحد غربی گزارش می‌داد. در عمل، کلمه «تحریم» تنها دو بار ذکر شد، هر دو در وسط مطلب پنهان بودند.

یک تیتربیبیبی سی رضا پهلوی، فرزند تبعیدی آخرین شاه ایران، را «در مرکز شعارهای اعتراضی» توصیف کرد. در سال ۲۰۱۸، روزنامه‌نگار نافیز احمد گزارش داد: «در مجموع، از ۲۰۰۶، دولت‌های متوالی آمریکا ده‌ها میلیون دلار در سال برای تلاش‌های «ترویج دموکراسی» در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند، که به‌عنوان پوششی برای آرزوهای دیرینه «تغییر رژیم» عمل می‌کند. «بخش عمده برنامه‌های رسانه‌ای که توسط وزارت خارجه تأمین مالی شده‌اند، تمرکز بر بزرگداشت حکومت شاه ایران، دیکتاتور بی‌رحم تحت حمایت آمریکا و بریتانیا که توسط انقلاب ۱۹۷۹ سرنگون شد، داشته است. تبلیغات به نظر می‌رسد مؤثر بوده باشد، به طوری که بسیاری از شرکت‌کنندگان در آخرین اعتراضات خواستار بازگشت پسر تبعیدی شاه، رضا پهلوی، به قدرت در ایران شدند.» طبیعی است که این «ترویج دموکراسی» برای پسر شاه مستلزم حذف برخی واقعیت‌های تاریخی شرم‌آور است.

در سال ۱۹۵۳، خودروهای زرهی تأمین شده توسط آمریکا به خیابان‌های ایران آمدند، محمد مصدق ملی‌گرا و منتخب مردم را سرنگون کردند و شاه را جایگزین او کردند. طبق گفته مأمور وقت سیا، ریچارد کاتم: «... آن جمعیتی که به شمال تهران آمد و در سرنگونی تعیین‌کننده بود، جمعیت مزدور بود. هیچ ایدئولوژی نداشت. آن جمعیت با دلارهای آمریکایی پرداخت شد و مقدار پولی که استفاده شد باید بسیار زیاد بوده باشد.» (نقل قول از مارک کرتیس، «ابهامات قدرت»، زد بوکز، ۱۹۹۵، ص ۹۳) همانند عراق ۲۰۰۳، لیبی ۲۰۱۱ و ونزوئلا ۲۰۲۶، انگیزه نفت بود.

بی‌بی‌سی به‌طور مبهم به «نقض حقوق بشر» تحت شاه اشاره کرد. در واقع، طبق سازمان عفو بین‌الملل، ایران دارای «بالاترین نرخ اعدام در جهان، هیچ سیستم معتبر دادگاه‌های مدنی و سابقه شکنجه» بود، که «فراتر از تصور» بود، در جامعه‌ای که «کل جمعیت تحت ترس دائمی و همه‌جانبه قرار داشت.» (مارتین انالز، دبیرکل عفو بین‌الملل، نقل در انتشار عفو، Matchbox، پاییز ۱۹۷۶)

هیچ‌کدام از این‌ها برای «رسانه آزاد» ما اهمیتی ندارد، که مشغول پیروی از خطی هستند که روزنامه‌نگار جان سوئینی در سال ۱۹۹۹ اتخاذ کرده بود: «زندگی برای عراقی‌های عادی فقط زمانی بهتر خواهد شد که غرب بالاخره درنگ را متوقف کند و به سیاستی واضح و بدون ابهام برای نابودی صدام متعهد شود. و وقتی او سقوط کرد، مردم عراق خواهند گفت: «چه چیزی مانع شد؟ چرا اینقدر طول کشید؟» (سوئینی، «غرب هیولایی ساخت. حالا وقت نابود کردن اوست. به‌عنوان یک لیبرال خوب، شخصاً به نابود کردن صدام رأی می‌دهم»، آبرور، ۱۰ ژانویه ۱۹۹۹)

به سختی می‌توان یک مفسر «رسانه اصلی» پیدا کرد که اکنون نگران حقوق بشر در عراق باشد. هفته گذشته، جیسون دیتز از ضدجنگ گزارش داد: «نامزدی نخست‌وزیر فعلی و شاید آینده عراق، نوری المالکی، این آخر هفته به‌طور فزاینده‌ای در شک قرار دارد، با گزارش‌هایی که نشان می‌دهد خواسته ترامپ برای جلوگیری از بازگشت او به قدرت، احتمال کنار گذاشتن او توسط ائتلاف چارچوب هماهنگی را افزایش داده است...»

اواخر ماه گذشته، ترامپ خواست که المالکی از نامزدی کنار برود، اما او در آن زمان امتناع کرد و گفت که آمریکا نباید وارد امور داخلی عراق شود. المالکی قبلاً از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ نخست‌وزیر عراق بود. «دیتز توضیح می‌دهد که چگونه آمریکا «دموکراسی» عراق را کنترل می‌کند: «پایه و اساس کل این قضیه این است که پس از تهاجم و اشغال آمریکا در سال ۲۰۰۳، کشور طوری بازسازی شد که تمام درآمد نفت عراق به دلار آمریکا و از طریق بانک فدرال رزرو نیویورک پرداخت شود. از آنجا که این درآمد تقریباً تمام بودجه دولت عراق است، به این معنی است که آمریکا می‌تواند خزانه عراق را در هر زمان عملاً تصرف کرده و کشور را به سرعت ورشکسته کند.»

این همان نوع «آزادی» است که در صورت تغییر رژیم توسط آمریکا و اسرائیل، ایرانیان در انتظار آن خواهند بود، که در واقع به معنای فتح و استعمار خواهد بود.

نفت هم‌چنان هدف کلیدی است، البته. در سال ۲۰۱۵، نوام چامسکی انگیزه‌های عمیق‌تر را این‌گونه توضیح داد: «پاسخ روشن است: دولت‌های یاغی که در منطقه جولان می‌دهند... نمی‌خواهند هیچ مانعی برای تکیه خود بر تجاوز و خشونت تحمل کنند. در این زمینه، آمریکا و اسرائیل پیش‌تاز هستند، و عربستان سعودی نیز تمام تلاش خود را می‌کند تا به این باشگاه بپیوندد...»

منبع: لینک این مقاله به [انگلیسی](#)